یادداشت روز

ریاض در گرداب ائتلاف‌های بی‌حاصل

حسن رشوند

خبر انعقاد توافق‌نامه امنیتی سه‌جانبه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان که در افکار عمومی به «پیمان مکه» شهرت یافته، بیش از آنکه نشانه‌ای از یک بلوک‌بندی جدید و قدرتمند در غرب آسیا باشد، جلوه‌ای از سردرگمی راهبردی بازیگرانی است که در تلاطم تحولات جدید منطقه‌ای، با دست‌وپا زدن به دنبال سایه‌ای برای امنیت لرزان خود می‌گردند. امضای «پیمان مکه» میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در ۱۶ مرداد ۱۴۰۵، بیش از آنکه یک توافق دفاعی متعارف برای ارتقای صلح منطقه‌ای باشد، یک «بحران‌زایی جدید» و نمایشی مضحک از تلاشی است که هدف آن چیزی جز «مهار محور مقاومت» و فرار از «هراس راهبردی» نیست.

در نگاه اول، بندهای هشت‌گانه این توافقنامه با زبانی دیپلماتیک و فریبنده، سعی دارد خود را یک همکاری «دفاعی»، «صلح‌طلبانه» و «غیرتهدیدآمیز» معرفی کند. اما برای چشم ناظران تحولات منطقه‌ای که سال‌هاست دست پنهان و آشکار آنها را در برخی ناامنی‌های غرب آسیا دیده‌اند، این توافق را نه برای «صلح»، بلکه تلاشی برای «مشروعیت‌بخشی به تهاجم» عربستان به یمن و برخی رفتارهای غیرعقلانی سعودی‌ها در همراهی با آمریکا در جنگ‌طلبی‌های منطقه می‌دانند. کشورهایی که چند سال است شاهد بدترین جنایت‌های صهیونیست‌ها در غزه بودند، کوچک‌ترین ائتلافی برای مقابله با جنایات صهیونیست‌ها در این باریکه ۳۶۰ کیلومتر مربعی که هزاران تن بمب بر سر کودکان غزه ریخته شده بود، نکردند اما اکنون که جبهه مقاومت یمن عرصه را بر سعودی‌ها تنگ کرده‌اند، به تکاپو افتاده‌اند تا ائتلافی را شکل دهند؟!

اما درباره این ائتلاف عاریه‌ای چند نکته گفتنی است:

۱- طراحان این توافق، بر اصل «دفاع جمعی» تأکید ورزیده‌اند؛ اصلی که مدعی است هرگونه حمله به یکی، حمله به همه است. اما آیا این توافق می‌تواند خلأ راهبردی ناشی از «ناتوانی آمریکا» را پر کند؟ عربستان که سال‌ها امنیت خود را به چک‌های میلیاردی برای واشنگتن گره زده بود، اکنون با مشاهده ناتوانی سامانه‌های دفاعی گران‌قیمت غربی در برابر اراده آهنین انصارالله یمن و موشک‌های ایران، به این نتیجه رسیده است که «تکیه دادن بر استکبار» همچون تکیه بر دیوار شکسته‌ای می‌ماند که در حال فروریختن است. اما چرا ریاض فکر می‌کند که پیوند نظامی با ترکیه و پاکستان، گره‌گشای بحران او در یمن خواهد بود؟ همه می‌دانند که این توافق، فاقد عمق راهبردی است. چراکه عربستان با اسلام سلفی، ترکیه با اسلام اخوانی و پاکستان با سیاست نه چندان روشن، سه ضلع یک مثلث ناسازگارند که هرگز در لحظات حساس عملیاتی، هم‌افزایی نخواهند داشت. تاریخ منطقه مشحون از این ائتلاف‌های توخالی است؛ ائتلاف‌هایی که در اولین آزمون میدانی خود، از هم فروپاشیدند.

تاریخ معاصر منطقه، گورستان این‌گونه ائتلاف‌های نمایشی است. نگاهی به «پیمان بغداد» (سنتو) که با حمایت غرب و عضویت کشورهای منطقه شکل گرفت تا «سد دفاعی» در برابر شوروی و بیداری اسلامی باشد، بهترین درس است. آن پیمان با فروپاشی نظام طاغوت در ایران، در کمتر از یک شب به تاریخ پیوست. یا «شورای همکاری خلیج‌فارس» که در سایه دلارهای نفتی متولد شد، در جریان بحران دیپلماتیک قطر در ۵ ژوئن ۲۰۱۷ که با قطع روابط دیپلماتیک ۴ کشور عربی با محوریت عربستان با قطر آغاز شد یا جنگ یمن در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ با نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان، نشان داد که فقط یک «اتحادیه کارتونی» برای سرکوب ملت‌هاست و این شورا را با صدور بیانیه‌های بی‌خاصیت می‌شناسند که در برابر تهدیدات واقعی، هیچ کارآمدی ندارد. پیمان مکه نیز دقیقاً همین مسیر شکست‌خورده را می‌پیماید. مشکل اصلی اعضای این پیمان، فقدان «مشروعیت مردمی» و «تکیه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای» است. وقتی امنیت از «ملت‌ها» جدا شود و به «توافقات پشت پرده با اجنبی» گره بخورد، نتیجه‌اش جز فرسایش سرمایه‌های ملی نخواهد بود.

۲- بند ششم این توافقنامه که به شکلی فریبنده از «ایجاد منطقه‌ای عاری از ترور» سخن می‌گوید، دقیقاً همان نقطه چرخش و طنز تلخ ماجراست. تاریخ معاصر این منطقه، حافظه‌ای بسیار قوی‌تر از دیپلماسی کلمات دارد. فراموش نکرده‌ایم که حداقل دو کشور از این سه کشور (عربستان و ترکیه)، چه آتشی را در سوریه، عراق و یمن افروختند؟ ترکیه با باز گذاشتن مرزها برای ورود تروریست‌های بین‌المللی به سوریه و عراق و سعودی‌ها با سرازیر کردن دلارهای نفتی برای تغذیه سلفیت وحشی، و حتی پاکستان که در مقاطعی با ایجاد بسترهای آموزشی برای افراد افراطی اقدام می‌کرد، اکنون چگونه در مکه می‌توانند ژست «ضد تروریسم» به خود بگیرند؟

این نگرانی وجود داردکه بار دیگر همین کشورها در قامت «پلیس منطقه» در حالی که آمریکا سیلی سختی از ایران خورده و به نوعی به‌دنبال فرار از معرکه جنگ است، در قالب توافق مکه ظاهر شوند. این در حالی است که هدف واقعی از این بند، نه مبارزه با تروریسم، بلکه «سازماندهی بقایای تروریست‌ها» و تغییر نام آن‌ها به «نیروهای دفاعی محور مکه» است تا در صورت لزوم، علیه «انصارالله مقتدر» و دیگر ارکان مقاومت به کار گرفته شوند. این توافقنامه، در واقع یک «بیمه‌نامه جدید» برای تروریست‌های شکست‌خورده است تا در بستری نوین، به جنگ نیابتی علیه جبهه مقاومت ادامه دهند.

۳- آنچه بیش از هر چیز در این توافق جلب توجه می‌کند، نه قدرت‌نمایی امضاکنندگان، بلکه «اعتراف ضمنی ریاض به فرسایش هیمنه آمریکاست». عربستان سعودی چند دهه است که صدها میلیارد دلار از بودجه کلان کشورش را در حلقوم کارخانه‌های تسلیحاتی واشنگتن می‌ریزد تا شاید در بستر همین تسلیحات، یک امنیت عاریتی برای خود بخرد، اما «جنگ یمن» و حملات موشکی نقطه‌زن انصارالله به زیرساخت‌های حیاتی سعودی در «آرامکو» و «جیزان»، توهّم «امنیت آمریکایی» را درهم کوبید. طبیعی است با وضعیتی که در شرایط حاضر عربستان دارد پیمان مکه، نه نشانه‌ای از «اقتدار ریاض»، که اعترافی به «ناتوانی واشنگتن» است. اکنون حاکمان سعودی دریافته‌اند که آمریکا در بزنگاه‌های واقعی، حتی برای حفاظت از «گاو شیرده» خود نیز قدمی برنمی‌دارد. چراکه نمایش قدرت ایران در برابر واشنگتن، معادله‌ای جدید ایجاد کرده که در آن، ابزارهای نظامی غربی دیگر پناهگاه امنی برای شیوخ دیکتاتور منطقه نیست. در واقع این چرخش به سمت ترکیه و پاکستان، «گریز از ترس» است، نه «حرکت به سوی قدرت».

۴- از منظر راهبردی، این ائتلاف پیش از آنکه متولد شود، محکوم به فروپاشی است. چگونه می‌توان میان «اسلام اخوانی ترکیه» که رئیس‌جمهور آن با نئوعثمان‌گرایی به دنبال هژمونی است، با «اسلام سلفی سعودی» که رقیب ایدئولوژیک آن محسوب می‌شود، وحدت استراتژیک ایجاد کرد؟ کیست که نداند این دو نگرش رادیکال، در لایه‌های زیرین سیاسی و ایدئولوژیک به شدت در تقابل هم قرار دارند. این پیمان، تنها یک «نمایش نمادین» است که برای سرپوش گذاشتن بر اختلافات عمیق اعضای آن و بر اساس منافع خاص طراحی شده است. پاکستان به‌دنبال نقش‌آفرینی جدید و نمایش تصنعی قدرت که گاهی با میانجیگری بین کشورها و گاهی با نمایش امضای پیمان نامه و دریافت دلارهای سعودی است، به‌دنبال اثبات خود است و عربستان نیز هراسان از شکست در یمن و نگران فروپاشی از درون به دلیل درگیری در جنگی که با تحریک آمریکا صورت گرفته، سعی در بازسازی خود است و ترکیه بازیگر بی‌ثباتی است که به شدت دچار تورم شدید و اقتصاد فروپاشیده است و نیاز به دلارهای نفتی سعودی برای احیاء اقتصاد خود دارد. این سه کشور می‌دانندکه هیچ‌کدام توانایی پایدارسازی یک ائتلاف نظامی را ندارند.

۵- تلاش برای یارگیری جدید، نشان‌دهنده یک «تنگنای حاد امنیتی» است. حاکمان سعودی می‌دانند که محور مقاومت، نه تنها یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه یک «قدرت مسلط» است که معادلات غرب آسیا را تغییر داده است. این است که ریاض در وحشت از این قدرت نوظهور، به هر شاخه خشکی چنگ می‌زند. اما حقیقت این است؛ تا زمانی که ریاض بخواهد امنیت خود را در تقابل با «اراده ملل مسلمان» و در همکاری با کشورهایی که خودشان به نوعی محل چالش هستند، تعریف کند، هرچقدر هم که قراردادهای نظامی سنگین‌تری امضا کند و ائتلاف‌های بیشتری با بازیگران دیگر ببندد، نه تنها امنیت بیشتری نخواهد داشت، بلکه بیش از پیش در تله «ناامنی خودساخته» گرفتار خواهد شد. بنابراین؛ این پیمان، نه یک پناهگاه، که «زندانی» است که دیوارهای آن از سستی اعتماد اعضا به یکدیگر ساخته شده است.

بقیه در صفحه ۷

کیهان بررسی کرد

شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز بی‌اعتنا به لاف‌های گزاف ترامپ

سرویس سیاسی-

جنگی که با هدف تسلیم بی‌قیدوشرط ایران از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شد، پس از پنج ماه با ته کشیدن ذخایر موشکی، جهش قیمت نفت، شکاف در میان متحدان و تسلط کامل ایران بر تنگه هرمز، به یک شکست تمام‌عیار برای واشنگتن بدل شده است. تا جایی که ترامپ چاره‌ای جز تسلیم در برابر قواعد بازی دیکته‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران ندارد.

نبرد سنگینی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ با نیت شوم واشنگتن علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، از همان ابتدا مبتنی بر محاسباتی کاملاً غلط و متوهمانه در کله پوک ترامپ بود. قمارباز کاخ سفید با این تصور وارد میدان شد که می‌تواند با تکیه بر قدرت هوائی و پشتیبانی صهیونیست‌ها، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ساختار دفاعی ایران را فروپاشیده و سناریوی «تسلیم بی‌قید و شرط» یا تجزیه کشور را محقق سازد و به قول وطن فروش‌ها «کار را یکسره کند». اما پاسخ صاعقه‌وار و ضربات خردکننده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به ویژه با به کارگیری اهرم استراتژیک «انسداد تنگه هرمز»، تمام جدول محاسباتی دشمن را به هم ریخت.

انسداد این شریان حیاتی، خیلی زود صدای زوزه ترامپ و متحدانش را درآورد. ترامپ که پس از ۴۰ روز نبرد تمام‌عیار، خود را در بن‌بست می‌دید، تلاش کرد با «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» فرجه‌ای برای نفس‌گیری پیدا کند. او به زعم باطل خود تصور می‌کرد که با یک توافق تاکتیکی می‌تواند ایران را مهار کرده و سپس خر خود را بتازاند؛ به همین دلیل در اوج گستاخی، فاتحه تفاهم نامه را خواند و به زیرساخت‌های و حتی منازل مسکونی در جنوب حمله کرد.

اما نیروهای مسلح ایران بلافاصله دکترین و قاعده جدید میدان را دیکته کردند: «زیرساخت در برابر زیرساخت». اشراف اطلاعاتی فرادستی نیروهای مسلح و انهدام تار و پود نظامی ارتش تروریست آمریکا در منطقه، تلفات سنگینی روی دست دشمن گذاشت تا ترامپ متوجه شود هزینه نبرد چقدر بالا رفته است.

در همین راستا تنگه هرمز مجدداً با قاطعیت بسته شد و کاخ سفید ناکام از تمام ابزارهای زورگویانه دوباره به خدعه مذاکره متوسل شد. واشنگتن پس از رو کردن تمام کارت‌های نظامی و دیپلماتیک خود و مواجهه با کلکسیونی از شکست‌های مفتضحانه، حالا فتح تنگه و بازگشایی آن را به عنوان تنها دستاورد خیالی خود می‌جوید؛ تا شاید ترمز قیمت لجام‌گسیخته نفت را بکشد، از سقوط آزاد محبوبیت ترامپ جلوگیری کند و درهای خروجی این جنگ را بیابد. در سوی مقابل، جمهوری اسلامی ایران تنگه هرمز را نه یک مسئله تاکتیکی، بلکه یک سلاح راهبردی بی‌بدیل می‌داند که با مدیریت هوشمندانه آن، موازنه قدرت را به نفع خود و محور مقاومت رقم زده است. این در حالی است که ایران هنوز از تمام ظرفیت‌ها و «شگفتانه‌های نظامی» خود رونمایی نکرده و کارت‌هایی چون انسداد کامل «باب‌المندب» را همچنان دست‌نخورده در اختیار دارد.

خط قرمزهای جمهوری اسلامی ایران به روایت شورای عالی امنیت ملی

دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در همین رابطه طی پیامی صریح، اتمام حجت کرد و شرایط ۶ گانه جمهوری اسلامی ایران برای بازگشایی تنگه هرمز را رسماً اعلام نمود:

«بسمه‌تعالی

تا آمریکا رفتارش را تصحیح نکند، تنگه هرمز باز نمی‌شود. تصحیح رفتار یعنی:

۱. ایران را هرگز و با هیچ زبانی تهدید نکرده و به مقدسات این ملت توهین نکند.

۲. به جنگ و تجاوز علیه ایران و متحدان ایران در لبنان، فلسطین، یمن و عراق برای همیشه پایان دهد.

۳.محاصره دریایی را بردارد و نیروهای نظامی (دریایی و هوایی) خود را از پیرامون ایران خارج کند.

۴.خسارت‌های دو جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی به ایران را بی‌کم و کاست بپردازد.

۵.تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی علیه ملت ایران را بردارد.

۶.دارائی‌های مسدود شده و دزدیده شده مردم ایران را بی‌قید و شرط آزاد کند.

این‌ها مطالبات مردم مبعوث شده ایران است که در یکصد و شصت روز حضوری بی‌امان در میدان و خیابان آن را فریاد زده‌اند.

شورای عالی امنیت ملی هرگز کوتاه نخواهد آمد؛ چه در جنگ و چه در مذاکره.»

عراقچی: تا زمانی که نقض تعهدات از سوی آمریکا ادامه دارد شروع مجدد مذاکرات ممکن نیست

همچنین سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در پاسخ به سؤالات خبرنگاران درباره آخرین وضعیت رایزنی‌ها تأکید کرد:

«در حال حاضر مذاکره‌ای با آمریکا نداریم؛ تبادل پیام صرفاً از طریق واسطه‌ها صورت می‌گیرد و اسم این روند را نمی‌توان مذاکره گذاشت. برخی کشورهای واسطه همچنان تلاش می‌کنند تا زمینه مذاکره را مجدداً فراهم کنند، اما از نظر ما تا زمانی که نقض یادداشت تفاهم اسلام‌آباد از طرف آمریکایی به پایان نرسد و آمریکا آنچه را نقض کرده جبران نکند، امکان شروع مجدد مذاکرات وجود ندارد.»

وزیر امور خارجه در ادامه درباره روند مذاکرات با عمان پیرامون ترتیبات جدید عبور و مرور در تنگه هرمز افزود:

«مذاکرات با عمان درخصوص تعیین مسیر دریایی جدید در تنگه هرمز ادامه دارد، تاکنون خوب پیش رفته و در مراحل پایانی آن قرار داریم. در نتیجه این روند، مسیرهای قدیمی با مسیرهای جدید جایگزین خواهند شد و متخصصان روی نقشه‌ها کار می‌کنند. اما این به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست؛ ممکن است این توافق فنی حاصل شود، اما باز شدن تنگه منوط به تحقق شروط دیگری است که این شروط از طریق واسطه‌ها به طرف آمریکایی منتقل شده است.»

وال‌استریت‌ژورنال: ترامپ در آرزوی فرار بدون توافق هسته‌ای

روزنامه وال‌استریت‌ژورنال (رسانه نزدیک به حزب جمهوری‌خواه) هم در گزارشی با عنوان «ترامپ فکر می‌کرد باز کردن تنگه هرمز قریب‌الوقوع است، اما ایران برنامه‌های دیگری داشت» ابعاد جدیدی از درماندگی کاخ سفید را فاش ساخت.

به گزارش این رسانه، رئیس‌جمهور آمریکا به دستیاران ارشد خود اعلام کرده که حاضر است حتی بدون دست‌یابی به هیچ‌گونه «توافق هسته‌ای جدید»، سفره این جنگ را جمع کرده و از نبرد خارج شود. این گزارش تصریح می‌کند که درخواست‌های جدید و قاطعانه تهران برای اخذ امتیازات عمده، درست چند روز پس از آن مطرح شد که کاخ سفید با شتاب‌زدگی ادعا کرده بود توافق برای آزادسازی گذرگاه تجاری هرمز در دسترس است. مقامات آمریکایی اذعان کرده‌اند دونالد ترامپ هفته‌ها زمینه‌سازی می‌کرد تا در صورت بازگشایی کامل تنگه، رسماً اعلام پیروزی کند؛ اما اصرار ایران بر شروط سنگینی چون دریافت میلیاردها دلار غرامت، خروج کامل نیروهای آمریکایی از منطقه و رفع محاصره دریایی، این هدف کوچک‌شده را نیز از دسترس ترامپ خارج ساخت.

گزارش وال‌استریت‌ژورنال تاکید دارد که رویدادها نشان‌دهنده محدودتر شدن شدید گزینه‌های ترامپ است. ترامپ که بارها تهدید به تشدید کارزار بمباران کرده و سپس مجبور به عقب‌نشینی شده، با حریفی روبه‌روست که کاملاً برای یک نبرد طولانی و فرسایشی آماده است. مونا یعقوبیان، مدیر برنامه خاورمیانه در اندیشکده CSIS در این باره می‌گوید: «درخواست‌های سخت‌گیرانه ایران، ایجاد یک راه خروج آبرومندانه از این درگیری را برای رئیس‌جمهور آمریکا به طور فزاینده‌ای دشوار می‌کند.» همچنین گرگوری برو، کارشناس گروه اوراسیا معتقد است: «ایرانی‌ها کاملاً معتقدند که ترامپ می‌خواهد از این مخمصه خارج شود و بر باز کردن تنگه تمرکز دارد؛ به همین دلیل است که فشار را حداکثر کرده‌اند.»

از سوی دیگر، توانایی ایران در مسدودسازی تنگه هرمز با حملات موشکی و پهپادی، بازار انرژی جهان را متلاطم کرده و قیمت بنزین در آمریکا را به ارقام بی‌سابقه‌ای رسانده است. در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا انتخابات میان‌دوره‌ای، ترامپ به دنبال قالب‌کردن یک پیروزی ساختگی به مردم آمریکاست؛ او حتی در شبکه‌های اجتماعی با به اشتراک گذاشتن مقاله‌ای مدعی پیروزی شد، اما واقعیت ملموس اقتصاد آمریکا خلاف آن را اثبات می‌کند.

مقامات آمریکایی دلخوش به این هستند که با تخریب برخی سایت‌های هسته‌ای در سال گذشته، ایران امکان بازسازی فوری را ندارد؛ تصوری که وال‌استریت‌ژورنال آن را ناشی از ارزیابی‌های سست می‌داند. مسئله معافیت‌های نفتی ایران و جبران خسارات مالی، به کلاف سردرگمی برای ترامپ مبدل شده که بدون گشودن آن، کلید بازگشایی تنگه هرمز هرگز به دست واشنگتن نخواهد افتاد.

حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، نیز نقشه راه کلان جمهوری اسلامی را در این مواجهه تبیین کرده است. ایشان در پیام نوروزی خود با قاطعیت فرموده بودند: «حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود.»

ایشان همچنین به مناسبت روز ملی خلیج‌فارس، این آبراه را «مسیر حیاتی و منحصربه‌فرد اقتصاد جهانی» خوانده و تأکید داشتند: «ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج‌فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوءاستفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید.» این هدایت راهبردی نشان می‌دهد که کنترل هرمز یک مانور موقت نیست، بلکه تثبیت قدرت بوم‌پایه ایران بر جغرافیای منطقه است.

شکنجه اقتصادی ترامپ با اهرم تنگه هرمز!

برای درک اهمیت انسداد تنگه هرمز و چرایی فلج شدن اقتصاد غرب، باید زنجیره‌ای از اعترافات صریح و متناقض مسئولان ارشد کاخ سفید و تحلیلگران غربی را در کنار هم گذاشت.

دونالد ترامپ در مواضعی ملتمسانه صراحتاً اقرار کرد که ادامه نبرد، تمام ذخایر استراتژیک نفت آمریکا را در کمتر از ۴ هفته نابود می‌ساخت و ادامه بمباران نیز حاصلی جز مین‌ریزی کامل تنگه و به پرواز درآمدن موشک‌ها بر فراز کشتی‌های میلیاردی نداشت؛ رویدادی که او را به شدت از تبدیل شدن به «هربرت هوور» جدید و بانی رکود بزرگ در تاریخ آمریکا ترسانده است.

این اضطراب با تحلیلی که کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا ارائه داد عمیق‌تر می‌شود؛ آنجا که او بازگشت قیمت بنزین را مستقیماً منوط به توافق با ایران دانست. اگرچه افرادی مانند جی‌دی ونس، معاون ترامپ تلاش کردند با استناد به عبور موقت و محدود برخی نفتکش‌ها وضعیت را عادی جلوه دهند، اما خود او ناخواسته معترف شد که تحریم‌های آمریکا علیه نفت ایران کاملاً بی‌اثر بوده است. همزمان، کوین هَسِت و بسنت، از مشاوران و وزرای اقتصادی دولت ترامپ هشدار دادند که جهش هزینه‌های انرژی، رشد دستمزد خانوارها را بلعیده و تنها راه نجات اقتصاد، امضای سریع توافق با تهران است.

این فشار خردکننده در تحلیل‌های رسانه‌های معتبر غرب نیز نمود یافته است؛ سی‌ان‌ان از تخلیه خطرساز مخازن حیاتی نفت آمریکا در کاشینگ خبر داد، نیویورک‌تایمز خالی شدن سریع ذخایر جهانی را انگیزه اصلی ترامپ برای چانه‌زنی خواند، نیویورکر با صراحت اعلام کرد نبرد هرمز کمر اقتصاد غرب را شکسته و تا مرز ۱۸۰ دلار برای هر بشکه پیش رفته است و در نهایت انجمن انرژی آمریکا از تحمیل هزینه پرداختی سنگین ۶۰۰ دلاری بیشتر به هر خانواده آمریکایی خبر داد؛ واقعیت‌هایی که نشان می‌دهد هرمز چگونه به شکنجه‌گاه اقتصادی آمریکا تبدیل شده است.

ترامپ رمقی برای ادامه جنگ ندارد...

از سویی، ارزیابی صحنه میدانی و گزارش رسانه‌های غربی نشان می‌دهد که ماشین جنگی ایالات متحده دچار یک فرسایش عمیق ساختاری شده و ادامه نبرد از توان واشنگتن خارج است.

نخستین مؤلفه مهم، بحران ذخایر تسلیحاتی آمریکا است. بر اساس گزارش افشاگرانه روزنامه نیویورک‌تایمز، موجودی موشک‌های رهگیر حیاتی پاتریوت آمریکا به کمتر از ۱۷۰۰ فروند سقوط کرده است. مصرف بیش از ۱۵۰۰ فروند از این موشک‌های گران‌قیمت در مواجهه با آتش ایران، واشنگتن را ناچار کرده حتی تحویل سفارش‌های متحدان اروپایی و آسیایی خود را تعویق بیندازد؛ بحرانی که جبران آن به حداقل دو سال زمان نیاز دارد.

شبکه سی‌ان‌ان افشا کرد ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در جلسه‌ای محرمانه به ترامپ اتمام حجت کرده که ایالات متحده باید فوراً «راه فراری» برای خروج از جنگ با ایران بیابد، چرا که هرگونه تشدید عملیات نظامی نتیجه‌ای معکوس و فاجعه‌بار برای ارتش آمریکا خواهد داشت.

در ضلع دیگر، جامعه آمریکا دچار سوختگی عاطفی و نارضایتی شدید از جنگ شده است. نظرسنجی جدید مؤسسه رویترز/ایپسوس فاش می‌کند ترامپ بدترین محبوبیت اجتماعی را در تاریخ نبردهای خارجی آمریکا به ثبت رسانده است؛ جایی که تنها ۳۵ درصد مردم از ادامه نبرد حمایت می‌کنند و اکثریت مطلق، نگران جهش قیمت بنزین هستند. حتی در میان پایگاه رای جمهوری‌خواهان نیز تردیدهای جدی درباره نتیجه‌بخش بودن این نبرد شکل گرفته است.همزمان با این فرسایش داخلی، هندسه قدرت در منطقه نیز دچار تغییر شده است. کشورهای منطقه با درک انفعال و عجز کاخ سفید، به این باور رسیده‌اند که امنیت اجاره‌ای و غربی قابل اعتماد نیست. شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای چندجانبه مانند «پیمان مکه» بدون مداخله مستقیم آمریکا، مصداق روشنی از افول هژمونی واشنگتن و تحقق نظمی «چندمرکزی» است که کشورهای آسیا و جنوب جهانی در آن ایفاگر نقش اصلی هستند.

سخن آخر

جنگی که دولت تروریست آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف تسلیم بی‌قید و شرط ایران آغاز کردند، پس از ۵ ماه به یک شکست راهبردی تمام‌عیار برای واشنگتن بدل شده است. فرسایش شدید زرادخانه‌ها، هراس متحدان، خشم افکار عمومی و حاکمیت مقتدرانه ایران بر تنگه هرمز، واشنگتن را در بن‌بستی بی‌سابقه گرفتار ساخته است. ترامپ چه بخواهد و چه نخواهد، مجبور است تسلیم قواعد بازی دیکته‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران شود؛ چرا که صحنه نبرد اثبات کرد دورانی که آمریکا دیکته می‌کرد و حاکمان سرسپرده منطقه مشق می‌کردند، به سر آمده است.

گفت و شنود

فتوشاپه!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: مدتی است که برخی از مسئولان محترم کشورمان به جای حضور علنی و آشکار در رسانه‌ها و از جمله در رسانه ملی و اظهارنظر درباره دروغ‌پردازی‌های ترامپ و مقامات آمریکایی و رسانه‌های غربی و عبری و عربی، راهکار ویژه دیگری را برگزیده‌اند!

گفت: چه راهکاری؟!

گفتم: به عنوان یک مقام آگاه که نمی‌خواست نامش فاش شود مصاحبه می‌کنند و مطالبی را مطرح می‌فرمایند!

گفت: مرد حسابی! این که خبر تازه و جدیدی نیست!

گفتم: خبر تازه و جدید آنکه در مصاحبه تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور محترم کشورمان هم دو خبرنگار که نمی‌خواستند نامشان فاش شود و در دوربین تلویزیون دیده شوند، با ایشان مصاحبه می‌کردند!

گفت: یعنی این دو خبرنگار از روی دست همان مسئولان رونویسی کرده‌اند یا ابتکار(!) خودشان بوده؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو دو نفر که دوقلو بودند را دید، گفت؛ این که خیلی تابلوست! خُب معلومه که فتوشاپه!

امام خامنه‌ای با صدور حکمی سرلشکر محسن رضایی را به نمایندگی خود در شورای عالی امنیت ملی منصوب فرمودند

با حکم رهبر معظم انقلاب، سرلشکر محسن رضایی به عنوان نماینده ایشان در شورای عالی امنیت ملی منصوب گردید.

حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در حکمی آقای دکتر محسن رضایی را به‌عنوان نماینده خود در شورای عالی امنیت ملی منصوب کردند.

متن حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

برادر گرامی جناب آقای دکتر محسن رضایی

با توجه به تجارب ارزشمندتان بدین‌وسیله جناب‌عالی را که از پیشگامان دوره پرافتخار هشت سال دفاع مقدس هستید، به‌عنوان نماینده خود در شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌کنم. امیدوارم در انجام این مسئولیت مهم، کمال موفقیت را کسب نمایید.

ضمناً از تلاش شبانه‌روزی برادر عزیز جناب آقای دکتر محمدباقر ذوالقدر تشکر می‌شود.

ان‌شاءالله تحت توجهات سرورمان حضرت بقیةالله‌الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره سربازی مجاهد برای ملت سرافراز ایران باشید.

سیدمجتبی خامنه‌ای

محسن رضایی میرقائد، متولد ۱۰ شهریور ۱۳۳۳ در مسجدسلیمان، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و بخش عمده دوران فرماندهی‌اش با سال‌های جنگ ایران و عراق همزمان شد.

رضایی پس از پایان دوره فرماندهی سپاه، در سال ۱۳۷۶ به دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و تا سال ۱۴۰۰ دبیر این مجمع بود.

رضایی از دولت سیزدهم تاکنون به‌عنوان دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا فعالیت می‌کرد.

عراقچی:

تا زمانی که نقض تعهدات از سوی آمریکا ادامه دارد شروع مجدد مذاکرات ممکن نیست

وزیر امور خارجه با بیان اینکه در حال حاضر مذاکره‌ای میان ایران و آمریکا انجام نمی‌شود، گفت: تا زمانی که نقض یادداشت تفاهم اسلام‌آباد از سوی آمریکا پایان نیابد و این کشور نقض تعهدات خود را جبران نکند، امکان شروع مجدد مذاکرات وجود ندارد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در حاشیه رویداد «محرم و عاشورا در آئینه اسناد وزارت امور خارجه» که روز یکشنبه ۱۸ مرداد به همت مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره آخرین وضعیت مذاکرات ایران و ایالات متحده گفت: در حال حاضر مذاکره‌ای با آمریکا نداریم، تبادل پیام از طریق واسطه‌ها صورت می‌گیرد اما اسم این روند مذاکره نیست.

رئیس دستگاه دیپلماسی اظهار داشت: برخی از کشورهای واسطه همچنان تلاش می‌کنند که زمینه مذاکره را مجددا فراهم کنند. از نظر ما تا زمانی که نقض یادداشت تفاهم (اسلام‌آباد) از طرف آمریکایی به پایان نرسد و آمریکا آنچه نقض کرده را جبران نکند، امکان شروع مجدد مذاکرات وجود ندارد.

به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره روند مذاکرات جاری با سلطنت عمان برای تعیین ترتیبات جدید عبور و مرور در تنگه هرمز گفت: مذاکرات با عمان درخصوص تعیین مسیر دریایی جدید در تنگه هرمز ادامه دارد، تاکنون خوب پیش رفته است و می‌توانم بگویم در مراحل پایانی آن قرار داریم. در نتیجه این مذاکرات، مسیرهای قدیمی که وجود داشته با مسیرهای جدید جایگزین خواهند شد. متخصصان در حال کار بر روی نقشه‌ها هستند.

عراقچی ادامه داد: این به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست؛ ممکن است این توافق به نتیجه برسد اما باز شدن تنگه هرمز منوط به تحقق شرایط دیگری است که این شروط از طریق واسطه‌ها به طرف آمریکایی منتقل شده‌اند.

روس‌اتم: در حال بازگرداندن متخصصان به نیروگاه هسته‌ای بوشهر هستیم

مدیرعامل روس اتم اعلام کرد که متخصصان روسی در حال بازگشت به نیروگاه هسته‌ای بوشهر هستند.

«الکسی لیخاچف»، مدیرعامل شرکت روس اتم بیان کرد: پنج نفر اول از متخصصان روسی در زمان حاضر مشغول به کار در نیروگاه اتمی بوشهر هستند.

وی افزود: تعداد کل متخصصان روسی در این نیروگاه اکنون به ۲۵ نفر رسیده است و قرار است این تعداد تا پاییز به ۱۰۰ نفر افزایش یابد.

به گزارش تسنیم، لیخاچف ادامه داد: ساخت ساختمان‌های مربوط به واحدهای شماره ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر همچنان ادامه دارد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* جمهوری اسلامی ایران به دنیا نشان داد که می‌تواند یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های جهان یعنی تنگه هرمز را مسدود کند، طوری که قوی‌ترین ارتش جهان با تمام امکانات و متحدانش علی‌رغم گذشت بیش از ۱۶۰ روز نتوانسته این آبراهه حیاتی را برای کشتی‌ها بازگشایی کند!

معینی

* مسئولان و دست‌اندرکاران کشورمان باید از عمق جان بپذیرند که برای ایجاد نظم جدید غرب آسیا راهی جز اعمال قدرت نیست و با تمام وجود به این توانایی برای اعمال این قدرت ایمان داشته باشند. نباید با نیرنگِ مذاکره و توافق خام شد و برای دشمن فضای تنفس ایجاد کرد.

فراهانی

* دیپلمات و مذاکره‌کننده پیشین آمریکا با اشاره به تحولات اخیر در تنگه هرمز گفته که «آمریکا در آستانه یک شکست راهبردی قابل توجه در برابر ایران قرار دارد» و شاید مجبور شود به اهرم و کنترل ایران بر اینکه چه کسی یا چه چیزی از تنگه هرمز عبور کند، تن دهد! معلوم است که باید به خواسته جمهوری اسلامی تن دهند و الا خلیج‌فارس را به گورستانی برایشان تبدیل خواهیم کرد.

طیبی

* کاسبان مذاکره پاسخ دهند؛ مگر آمریکا برای بلوکه کردن دارائی‌های ما، با ما مذاکره کرد که حالا برای آزادکردنش نیاز به مذاکره باشد؟ مگر وقتی می‌خ